



Custody Compensation in Islamic Jurisprudence, Legal Systems of Iran and the United States

Reza Hossein Gandomkar¹, Morteza Fathi², Sattar Mohammadi Razini³

¹ Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, University of Qom.
rh.gandomkar@qom.ac.ir

² Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.
fathi@yahoo.com

³ PhD Student in Jurisprudence and Juridical Law (Criminal Law & Criminology), Almustafa
International University (**Corresponding Author**). sattar1362@yahoo.com

Abstract

The compensation for custody and the guarantee of its implementation, including criminal and civil law in Islamic jurisprudence, the laws of Iran and the United States of America, is discussed in the present study, which is addressed through an analytical-descriptive method. Findings indicate that the prominent Imamiyyah jurists believe that paying the compensation for custody is considered to be primarily the responsibility of the father, and in case of the father's incapacity or death, it is the responsibility of the paternal ancestor. Regarding the mother who is the guardian of the child, there are different views in two cases before and after the divorce. This matter has different aspects before divorce, and it may be in the form of conditions during and after the marriage, or there may be an agreement on its termination. The payment of custody compensation after divorce depends on the fact that if custody is regarded as an obligation, then it is not appropriate to receive a wage in return for it, but if custody is considered a right, it is possible to receive wages for custody and there is a clear position in Iranian Criminal Law. There is no objection to the payment of custody wages by the non-custodial parent, and it can hardly be included in the criminal provisions of the Family Protection Act, and in the criminal laws of the United States at the federal and state levels, there is a guarantee of criminal execution such as imprisonment and reduction from the salary of the working parent.

Keywords: Non-Custodial Parent, Custody in Iranian Law, Custody in American Law, Custody Compensation, Legal Responsibility, Criminal Responsibility.

Received: 2022/04/27 ; Accepted: 2022/11/21

How To Cite: Gandomkar, Reza Hossein; Fathi, Morteza; Mohammadi Razini, Sattar (2023). Custody Compensation in Islamic Jurisprudence, Legal Systems of Iran and the United States, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(1), 215-236. doi.org/10.22091/CSIW.2022.7570.2187

پرداخت اجرت حضانت در فقه اسلامی، نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده

رضا حسین گندمکار^۱، مرتضی فتحی^۲، ستار محمدی رزینی^۳

^۱ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم. rh.gandomkar@qom.ac.ir

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم. fathi@yahoo.com

^۳ دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق قضائی (گرایش جزا و جرم‌شناسی)، جامعه المصطفی العالمیه، مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول).

sattar1362@yahoo.com

چکیده

پرداخت اجرت حضانت و ضمانت اجرای آن اعم از کیفری و مدنی در فقه اسلامی، حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا هدف پژوهش حاضر است که با روش تحلیلی و توصیفی به آن پرداخته و اهم یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که مشهور فقهای امامیه پرداخت اجرت حضانت را در درجه اول بر عهده پدر و در صورت اعسار یا فوت پدر، بر عهده جد پدری و هر چه بالاتر رود می‌دانند. در مورد مادری که متصدی حضانت طفل است، در دو حالت قبل از طلاق و بعد آن، دیدگاه‌های مختلفی است. این موضوع قبل از طلاق دارای حالات مختلفی بوده و ممکن است به صورت شروط ضمن و بعد از عقد باشد و یا به طور کلی توافق بر اسقاط آن صورت گیرد. پرداخت اجرت حضانت پس از طلاق وابسته به این است که اگر حضانت را یک تکلیف دانسته، دریافت مزد در مقابل آن صحیح نبوده اما در صورتی که حضانت را یک حق محسوب نموده امکان اخذ اجرت جهت انجام حضانت وجود داشته و در حقوق کیفری ایران موضع روشنی در مورد استتکاف از پرداخت اجرت حضانت توسط والد غیرحاضن وجود ندارد و به سختی می‌توان آن را مضمول مقررات کیفری قانون حمایت از خانواده نمود و در حقوق کیفری ایالات متحده آمریکا در سطح فدرال و ایالتی ضمانت اجرای کیفری نظیر حبس و کسر از حقوق والد کارمند پیش‌بینی شده است.

کلیدواژه‌ها: والد غیرحاضن، حضانت در حقوق ایران، حضانت در حقوق آمریکا، اجرت حضانت، مسئولیت حقوقی، مسئولیت کیفری.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۷ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

استاد: گندمکار، رضا حسین؛ فتحی، مرتضی؛ محمدی رزینی، ستار (۱۴۰۲). پرداخت اجرت حضانت در فقه اسلامی، نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۱۰(۱)، ۲۳۶-۲۱۵.

doi.org/10.22091/CSIW.2022.7570.2187

مقدمه

مشروعیت اخذ اجرت حضانت از سوی غیر والد مسأله‌ای است که در نظام‌های مختلف حقوقی پذیرفته شده ولیکن ضمانت اجراء آن در دوبره حقوقی و کیفری محل بحث است. ماده (۱۱۷۲) قانون مدنی ایران بر مسئولیت پدر و در صورت فوت او مادر نسبت به پرداخت چنین اجرتی تأکید شده است، مگر اینکه حاضن قصد تبرع داشته باشد. با وجود این در فرض متعارف که حضانت را یکی از والدین عهده‌دار باشد، مسأله اعتبار حقوقی اخذ اجرت به جهت حضانت از فرزندان از سوی والد حاضن از مسائل اختلافی است که هم در میان فقه‌های مذاهب اسلامی و هم نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف در مورد آن اتفاق نظری وجود ندارد. البته در این مورد میان نظام‌های حقوقی متأثر از فقه اسلامی مانند کشور ما که نفقه طفل تنها بر عهده پدر است و مادر در این زمینه وظیفه‌ای ندارد، با نظام‌هایی مانند ایالات متحده آمریکا که این تکلیف قانونی متوجه هر دوی والدین است این مسأله متفاوت است؛ چه در حالت نخست مسئله اخذ اجرت فقط در خصوص مادر حاضن جای طرح دارد و گرنه پدر و حتی به جد پدری که خود مسئول پرداخت نفقه است، مسلماً حق دریافت اجرت ندارد ولو اینکه طفل ثروتمند بوده و بتواند چنین اجرتی را پرداخت کند. (کاتوزیان، ۱۳۷۵: ۱۶۴-۱۶۲) اما در نظام‌های دسته دوم پرداخت چنین اجرتی از سوی مادر نیز قابلیت طرح را دارد و همچنین آنچه که نیاز به تبیین داشته ضمانت اجراء کیفری استتکاف از پرداخت از سوی والد غیر حاضن بوده و با توجه به مبانی اسلامی خانواده تعیین کیفر برای والد که الگو فرزندان می‌باشد محل مناقشه است و چه بسا از این رو در قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از خانواده موضع روشنی اتخاذ نشده است. در نوشتار حاضر به روش توصیفی تحلیلی تلاش شده مسئولیت‌های حقوقی و کیفری ناظر بر تأدیه اجرت حضانت در فقه و حقوق کشورهای ایران و ایالات متحده مورد بررسی قرار گیرد.

۱. فقه امامیه

۱-۱. اخذ اجرت حضانت پیش از طلاق

مسئله این است که آیا مادر پیش از طلاق در مقابل حضانت کودک خود، حق مطالبه اجرت را دارد یا نه؟ در پاسخ به این سؤال چند فرض متصور است که هر یک مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱. شرط ضمن عقد توسط زن در مورد اخذ اجرت حضانت

در اینجا چند صورت متصور است: زن قبل از عقد یا ضمن عقد، به طور صریح مسئله را با شوهر مطرح می‌سازد که مثلاً برای هر ماه حضانت فلان مبلغ را می‌گیرم، و مرد نیز شرط را قبول می‌کند. در این صورت زن، هرگاه اراده کرد می‌تواند طلب خود را درخواست نماید. در این مسئله، اختلافی وجود ندارد چون شرطی مشروع است که ضمن عقد مطرح شده و نیز لازم‌الوفا می‌باشد. صمیمی بودن آنان و فعالیت خوب و بی‌منت زنان دیگر و مطالبه نکردن اجرت، دلالتی بر سقوط حق او ندارد و اگر مرد ادعا کند زن از

حقوق خود گذشته است باید با دلیل آنرا اثبات کند.

۲-۱-۱. شرط بعد از عقد توسط زن در مورد اخذ اجرت حضانت با تعیین مبلغ اجرت

در این صورت، زن در ضمن عقد شرط نکرده است ولی هنگام عروسی یا پس از آن یا هنگام تولد طفل، به شوهر اعلام کرده است که برای حضانت کودک اعم از رضاع و غیر آن از هم اکنون روزانه، ماهیانه یا سالیانه فلان مبلغ به عنوان مزد برایم در نظر گرفته شود و شوهر نیز رضایت خود را اعلام می‌کند، از آنجایی که این صورت، در واقع توافق جدیدی است که میان زن و شوهر برقرار شده و شرط و توافق مذکور، مخالفتی با شرع ندارد، لذا جایز بوده و بر مرد واجب است که اجرت تعیین شده را بپردازد.

۳-۱-۱. شرط بعد از عقد توسط زن در مورد اخذ اجرت حضانت بدون تعیین مبلغ اجرت

در این صورت، زن پس از عقد اعلام کرده که مزد کارها را می‌خواهم و شوهر رضایت داده اما مبلغ آن، مشخص نشده است. در اینجا به اجرت المثل مراجعه می‌شود، یعنی زنان شوهردار دیگری که همانند او بوده و همین گونه کارها را در چنین خانه‌هایی انجام می‌دهند و تقاضای اجرت کرده‌اند نه اجرت زنان خدمتگزار یا اجرت زنانی که بچه دیگری را شیر می‌دهند، زیرا این گونه زنان، وقت یا شیری را که مستقلاً مالک‌اند و ربطی به طفل یا پدر طفل ندارد را می‌فروشند، ولی زن خانه‌دار و مادر فرزندان، مالک همه وقت و شیر خویش نیست، چراکه از نظر شرعی صاحب لبن، پدر است. از سوی دیگر وقتی که زن برای کارها گذاشته است به طور مستقل مال او نیست بلکه شوهر نیز، در آن حقی دارد، بنابراین باید اجرت المثل مانند زنان شوهردار دیگر در شرایطی یکسان محاسبه گردد.

حکم به جواز اخذ اجرت توسط مادر طفل در حالی که در حباله شوهر است بین فقیهان قدیم، مشهور هم نیست چه رسد به اجماعی بلکه یک قیاس مخفی و توجه نکردن به تفاوت زن شوهردار با زن شوهر مرده یا مطلقه موجب شده که همه، حکم این دو مورد را مساوی بدانند و اجماعی را که در آنجا وجود دارد در اینجا نیز ادعا کنند؛ با اینکه دو مسئله کاملاً متفاوت در اینجا مطرح است.

۴-۱-۱. مطالبه اجرت قبل از طلاق بدون شرط ضمن یا بعد از عقد توسط زن

در این صورت، زن هیچ‌گونه صحبتی از اجرت و مزد نکرده و زندگی روال عادی خود را داشته است، ولی اکنون با شنیدن حقوق زنان یا نزاعی که در خانواده رخ داده به فکر برخورداری از حقوق گذشته خود افتاده است. در دوران حاضر اکثر پرونده‌هایی که در آن، زنان دادخواست دریافت اجرت المثل می‌دهند از این نمونه است.

نکته اساسی بحث آن است که اولاً برای عرف و عادت چقدر ارزش و اعتبار قائل هستیم؟ ثانیاً

نظر عرف در این مسئله چیست؟

در برخی روایات آمده است که اگر زن پس از ورود به خانه شوهر ادعا کند مهریه‌اش را نگرفته،

ادعایش معتبر نیست، مگر اینکه حرفش را ثابت کند. (عاملی، ۱۳۹۹: ۱۵) مطابق ظاهر این احادیث، در حال حاضر بسیاری از زنان از استیفای حقوق خود محروم می‌شوند. ولی شهید اول در «قواعد و فوائد» در این باره می‌فرماید:

«ممکن است احکام با تغییر عادت‌ها تغییر کند... و یکی از مثال‌های آن، اختلاف زن و شوهر در گرفتن مهریه پس از آمیزش می‌باشد. زیرا روایت شده که سخن شوهر مقدم است ولی مبنای روایات، عمل گذشتگان است که پرداخت مهریه را بر آمیزش مقدم می‌داشته‌اند. اما اکنون که مهریه را قبل از آمیزش نمی‌دهند، سخن زوج، دیگر مقدم نخواهد بود. (مکی، ۱۳۶۰: ۱۵) مرحوم شیخ طوسی در ذیل این روایات می‌گوید: «به سخن زن اعتنایی نمی‌شود، زیرا خلاف ظاهر و عادات ادعا کرده است. (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۱۰) از بیان شیخ طوسی پیداست که عادت آن زمان، پرداختن مهریه قبل از آمیزش بوده است. از این عبارت‌ها روشن می‌شود عرف و عادت نقش بسیار مهمی در فهم روایات و مقصود آن و معتبر بودن ادعای زن دارد، اگر چنین است می‌توان نتیجه گرفت عرف و عادات همچون شرط قبل از عقد نکاح، هنگام عقد نکاح و پس از آن مطرح می‌باشد.

اگر عرف و عادت بر این است که زنان در خانه شوهر بدون اخذ اجرت، بچه شیر می‌دهند، نظافت می‌کنند و... پس عقد نکاح بر همین اساس خوانده شده است (شرط بنایی) و در واقع، مرد هنگام قبول مهریه در نظرش زنی مطرح بوده که کمک کار اوست و کارهای خانه را بدون مزد انجام می‌دهد. نتیجه اینکه هنگامی که یک زن و مرد با هم زندگی مشترکی داشتند و خانم خانه بچه‌ها را شیر داد، نگهداری کرد، آشپزی کرد و... ولی هیچ‌گاه سخنی از اجرت به میان نیاورد و در ضمن عقد یا پس از آن نیز سخنی از مزد به میان نیاورده بود، حق گرفتن اجرت بر کارها را ندارد، زیرا متعارف است این کارها به صورت مجانی، توسط زن انجام گیرد. اساساً عقد نکاح بر اساس همین امور متعارف خوانده شده و امور متعارف مانند شرط صریح است چنانچه از مواد (۲۲۰، ۲۲۱ و ۲۲۴) قانون مدنی نیز همین مطلب فهمیده می‌شود. ممکن است کسی بگوید عمل هر فرد محترم است و از جمله این افعال، حضانت اطفال است. تنها وقتی کار او بی اجرت است که معلوم شود فرد قصد تبرع داشته است، اما اگر پس از سالیان دراز ادعا کرد قصد تبرع نداشته یا ادعای غفلت کرد، احترام به عمل انسان حکم می‌کند که اجرت او پرداخت گردد. جواب اشکال این است که بین انواع کارها تفاوت وجود دارد؛ کارهایی را که معمولاً افراد با مزد انجام می‌دهند، حتی بدون ذکر اجرت، نیازمند اجرت می‌باشد و بدون قصد تبرع و نشانه‌های آن، اجرت ساقط نمی‌شود نظیر تدریس‌ها و آموزش‌های خصوصی و دانشگاهی، بنابراین اگر دانش‌آموزی از معلمی، یک ساعت وقت خواست و به طور خصوصی درسی را نزد او فرا گرفت، معلم اجرت را طلبکار است مگر اینکه آشکار شود قصد تبرع کرده است، ولی در اموری که معمولاً بدون مزد انجام می‌شود شخص حق گرفتن اجرت را ندارد، مگر آنکه خلاف آن شرط شده باشد.

در بحث اجرت زن برای کارهای خانه، چون در کشور ما متداول بوده زنان کارها را تبرعی انجام می‌داده‌اند و هنوز متداول است و زن خلاف این را نگفته و نخواسته پس حق مطالبه اجرت را ندارد، اگرچه قصد تبرع نکرده و یا از این مباحث غافل باشد. بدیهی است اگر به هر علتی این عرف تغییر کند و زنان از کار رایگان خودداری کنند، اصل موجود در این زمینه و حکم آن نیز تغییر خواهد کرد.

۱-۲. اخذ اجرت حضانت پس از طلاق

آیا مادر در مدتی که حضانت طفل را بر عهده دارد، می‌تواند در مقابل حضانت، علاوه بر هزینه و نفقه، مزد نیز دریافت نماید؟ پاسخ به این سؤال به ماهیت فقهی و حقوقی حضانت برمی‌گردد. در پاسخ باید گفت که اگر حضانت را یک تکلیف بدانیم، دریافت مزد در مقابل آن صحیح نبوده، زیرا در فقه و حقوق، دریافت اجرت برای انجام تکالیف اشخاص پذیرفته نشده است. اما در صورتی که حضانت را یک حق بدانیم، نه تنها امکان اخذ اجرت جهت انجام حضانت بلکه حتی امکان نقل و انتقال آن در مقابل عوض نیز می‌تواند قابل پذیرش باشد. در این مورد فقها اختلاف نظر کرده‌اند که اقوال آن‌ها بررسی می‌گردد.

۱-۲-۱. نفی اجرت در مقابل عمل حضانت

بسیاری از فقهای امامیه، مادر را مستحق دریافت اجرت در برابر حضانت نمی‌دانند. ابن فهد حلی به عدم استحقاق مادر نسبت به خذ اجرت بر حضانت رأی داده است. (نقل از: فقعانی، ۱۴۱۸: ۲۰۴) شهید ثانی نیز به عدم استحقاق مادر نسبت به دریافت اجرت حضانت، حکم نموده و می‌فرماید در این مسئله اختلافی وجود ندارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۲۱).

مغنیه نیز عدم استحقاق مادر نسبت به اجرت حضانت را پذیرفته ایشان این نظریه را به فقیهان امامیه هم نسبت داده است. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳۸۰/۲) عده‌ای دیگر از فقها نیز به عدم جواز اجرت بر حضانت تصریح دارند. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۳۲).

یکی از فقهای معاصر، قول به عدم استحقاق اجرت بر حضانت را بعید نمی‌داند و در بیان دلیل آن می‌گوید: زیرا هیچ‌یک از روایات وارد شده در باب حضانت دلالت بر استحقاق اجرت ندارد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۵۵۶)

برخی به پیروی از صاحب کتاب مسالك دریافت هرگونه اجرت در مقابل عمل حضانت را نپذیرفته‌اند؛ البته خرید و وسایلی که امر نگهداری و پرورش فرزند بر آن متوقف می‌باشد، جزو نفقه محسوب می‌شود و مادر می‌تواند جهت تهیه آن وسایل، پول را از مال طفل یا پدر دریافت نماید (سبزواری، ۱۴۱۷: ۲۸۰).

۱-۲-۲. پذیرش اجرت در مقابل عمل حضانت

صاحب جواهر به عنوان اولین فقیهی که به جواز اخذ اجرت بر حضانت تصریح نموده و حضانت را حق

دانسته، لذا قائل به مطالبه اجرت، توسط مادر شده است. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۴-۲۸۳). آیت‌الله خویی نیز معتقد است مادر در برابر حضانت، استحقاق دریافت اجرت را دارد. ایشان می‌فرمایند: «مادر در صورتی که در انجام حضانت، قصد تبرع نداشته و کسی دیگر حاضر نباشد تبرعاً حضانت کودک را بر عهده گیرد، مستحق دریافت اجرت است» (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۶). برخی دیگر از فقهای معاصر به تبعیت از استاد خود مرحوم آیت‌الله خویی همین نظر را پذیرفته‌اند. (سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۲۲، حکیم، ۱۴۱۰: ۳۰۳، تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۵۹) عبدالاعلی سبزواری معتقد است که گرچه به لحاظ جلوگیری از پیشامد اختلال در نظام اجتماعی، بر عهده گرفتن حضانت کودک، بر مادر واجب است اما انجام مجانی این وظیفه و کوشش مجانی در راستای عملی ساختن حضانت، بر مادر واجب نبوده و او می‌تواند درخواست اجرت نماید. (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵ و ۲۸۰).

پس در نتیجه حضانت بر مادر، واجب نیست وی می‌تواند آن را اسقاط کرده یا برای آن، اجرت مطالبه کند و اگر هم پدر و هم مادر از نگهداری فرزند، امتناع ورزند، حاکم پدر را به تصدی حضانت، الزام خواهد کرد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۳، خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۶). اما در مورد انتخاب و پذیرش یکی از این دو قول باید گفت از آنجایی که مشهور فقها معتقدند که حضانت نسبت به مادر صرفاً يك حق است لذا به احکامی مانند عدم وجوب حضانت برای مادر، جواز اسقاط آن از طرف مادر، امکان انتقال و واگذاری آن به دیگری و عدم امکان الزام مادر بر حضانت، ملتزم شده‌اند و در ادامه به جواز مطالبه اجرت توسط مادر در برابر حضانت نیز فتوا داده‌اند. بنابراین با توجه به اینکه قول مختار آن است که حضانت نسبت به مادر، حق و نسبت به پدر تکلیف است، در نتیجه می‌توان پذیرفت که مطالبه اجرت توسط مادر در برابر حضانت، جاز خواهد بود.

۳-۱. توافق زن و شوهر در مورد اسقاط حقوق خود و طاعات فریضی

در این صورت، زن گاهی حق اجرت خود را مطرح ساخته ولی شوهر نیز در مقابل، از حقوق خود سخن به میان آورده است. مرد گفته تو حق داری بر رضاع و کارهای خانه اجرت بگیری و من نیز حق دارم همسر جدید انتخاب کنم یا حق دارم هر وقتی که خواستم تو را طلاق دهم. بنابراین نه تو حقوق خود را درخواست کن و نه من حقوق خود را اعمال می‌کنم. پس از این، زن سخنی از گرفتن اجرت به میان نیاورده است.

به نظر می‌رسد این حالت، توافق جدیدی است که بین زن و شوهر انجام شده و طبق این توافق، هر دو حقوق خود را اسقاط کرده‌اند. این شرط چون مخالفتی با قرآن و سنت ندارد و شرط جایزی است، مورد قبول شرع می‌باشد روایت «المؤمنون عند شروطهم» نیز شامل این مورد می‌شود و در این صورت، زن اجرتی طلبکار نیست و در مقابل، مرد نیز حق ازدواج مجدد یا طلاق دادن وی را ندارد. البته ظاهراً رویه قضایی موجود این نظر را برنمی‌تابد.

نکته مهم این است که اگر این حالت، توافق نباشد، بلکه تهدید باشد و قصد و رضای زن تحصیل نشود، مثلاً اگر شوهر در مقابل تقاضای اجرت از سوی همسر، او را به طلاق یا ازدواج مجدد تهدید کند و زن به خاطر ترس سکوت اختیار کند، زن حقوق خود را طلبکار بوده و سکوت پس از تهدید را نمی‌توان نشانه توافق دانست.

۲. حقوق جمهوری اسلامی ایران

۲-۱. حقوق مدنی

در خصوص استحقاق دریافت اجرت حضانت بین حقوقدانان دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده که به بحث آن پرداخته می‌شود.

به نظر برخی از حقوق دانان هیچ کدام از پدر یا مادر در مقابل حضانت، مستحق دریافت اجرت (نه هزینه) نیستند و این قول نیز مورد موافقت قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی) قرار گرفته است و به همین دلیل، قانون‌گذار از دریافت اجرت حضانت بحثی نکرده است (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۱۴۷). آنها از ماده (۱۱۶۸) قانون مدنی که می‌گوید: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف است» چنین استنباط می‌کنند که پدر یا مادر در نگهداری و حضانت طفل به تکلیف قانونی خود عمل می‌کند و برای انجام این وظیفه قانونی حق مطالبه اجرت را نداشته و ماده مزبور ظهور دارد در اینکه تکلیف حضانت تبرعی و مجانی است.

قسمت اول ماده (۱۱۷۲) قانون مدنی نیز که می‌گوید: «هیچ یک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنهاست از نگهداری او امتناع کنند. در صورت امتناع یکی از ابوین، حاکم باید به تقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم، نگهداری طفل را به هر یک از ابوین که حضانت به عهده اوست الزام کند...» نظریه مجانی بودن عمل حضانت را تأیید می‌کند (صفائی، امامی، ۱۳۷۴: ۱۴۰).

این حقوقدانان در پاسخ به کسانی که این مسئله را با اجرت رضاع مقایسه می‌کنند، می‌گویند: «شیر دادن با حضانت متفاوت است، زیرا شیر دادن جزو وظایف زن نیست در حالی که حضانت با توجه به ماده (۱۱۶۸) قانون مدنی از جمله وظایف او محسوب می‌شود. پس قیاس حضانت به شیر دادن، قیاس مع الفارق است (صفائی، امامی، ۱۳۷۴: ۱۴۰). در مقام نقد استدلال این گروه از حقوق دانان باید گفت، اساس استدلال شما بر اساس تفسیر ماده (۱۱۶۸) و (۱۱۷۲) قانون مدنی استوار است و همان‌طور که در بحث قبل نیز گفته شد، اصلاح هر دو ماده با توجه به نظریه مشهور فقها، ضرورت دارد به این صورت که در ماده (۱۱۶۸) قانون مدنی حضانت نسبت به مادر حق و نسبت به پدر تکلیف محسوب می‌گردد.

در ماده (۱۱۷۲) قانون مدنی نیز که در واقع منتج از ماده (۱۱۶۸) قانون مدنی است، به جای کلمه ابوین، کلمه پدر جایگزین می‌شود. یعنی پدر حق ندارد در مدتی که حضانت طفل به عهده اوست از

نگاهداری او امتناع کند و در صورت امتناع پدر، حاکم باید... بنابراین نمی‌توان قول نفی اجرت در مقابل عمل حضانت را تقویت کنیم.

گروهی دیگر از حقوق‌دانان بر اساس مقایسه حضانت با رضاع و همچنین قسمت آخر ماده (۱۱۷۲) قانون مدنی «تأمین حضانت به خرج پدر» در صورت عدم امکان الزام ابویین به حضانت، قائل به جواز اخذ اجرت در مقابل عمل حضانت شده‌اند (امامی، ۱۳۷۳: ۲۷۳) کمیسیون استفتانات شورای عالی قضایی نیز در پاسخ به سؤالی، قائل به جواز اخذ اجرت در مقابل قبول حضانت شده است:

چنانچه زوجه حاضر به قبول حضانت به طور مجانی یا در برابر اجرت‌المثل یا کمتر از آن باشد، در این صورت، مادر احق و اولی به حضانت است از هر کس دیگر حتی از جد پدری، گرچه ازدواج هم کرده باشد، و اجرت حضانت و نفقه و کسوت طفل از مال پدر پرداخت خواهد شد، و هرگاه در فرض فوق، زوجه نیز غیرمأمون باشد یا از قبول حضانت امتناع کند و یا بیشتر از دیگران اجرت بخواهد، در این صورت، مادر را نمی‌شود الزام به حضانت نمود (روزنامه رسمی، ۱۳۶۳: ۴۳).

در مجموع باید گفت با توجه به ضرورت اصلاح ماده (۱۱۶۸) و (۱۱۷۲) قانون مدنی به نظر می‌رسد که قول دوم یعنی جواز اخذ اجرت در مقابل عمل حضانت قوی‌تر و مناسب‌تر است. بنابراین با توجه به خلأ قانون مدنی درخصوص اجرت حضانت، ایجاد ماده قانونی زیر درخصوص اجرت حضانت، پیشنهاد می‌گردد: مادر می‌تواند برای زحمتی که نسبت به حضانت فرزند متحمل می‌شود، جدای از نفقه فرزند و هزینه شیردهی او، به مقدار اجرت‌المثل یا کمتر از آن، اجرت مطالبه کند و بیشتر از اجرت‌المثل را نمی‌تواند مطالبه نماید. مسئول پرداخت اجرت حضانت نیز پدر می‌باشد و در صورت اعسار یا فوت پدر، پرداخت اجرت بر عهده جد پدری و هرچه بالا رود (جد جد...) خواهد بود.

۲-۲. حقوق کیفری ایران

نسب ممکن است مشروع یا نامشروع باشد. نسب مشروع آثاری چند داشته که بعضاً مالی و بعضی دیگر غیرمالی می‌باشند و می‌توان به ولایت قهری، ارث، حضانت و نفقه که از آن مصادیق بوده اشاره کرد. این آثار از جمله حضانت در شاخه‌های مختلف حقوق از جمله حقوق کیفری و حقوق مدنی مورد حمایت قرار گرفته است. حضانت شامل نگهداری، مواظبت و تأمین جسمی و اخلاقی و تربیتی طفل توسط حاضن است و این مطلبی است که در ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی ایران به آن اشاره شده است (صفایی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). حاضن می‌تواند والدین یا یکی از آن‌ها و یا شخص ثالثی باشد و طبق موازین فقهی حضانت عمل مشروع بوده و آثار نیکویی از نظر شرع و قانون دارد و از این رو هر عمل قانونی می‌تواند دارای مزد باشد. حال پرداخت دستمزد حاضن بر عهده چه کسی است؟ طبق ماده (۱۱۷۲) قانون مدنی پرداخت اجرت حاضن بر عهده پدر غیرحاضن است و اگر وی فوت کرده یا تمکن مالی نداشته باشد بر عهده مادر خواهد بود و در فرض عدم پرداخت چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟

ضمانت اجراها شامل ضمانت اجرای مدنی و کیفری می‌شود که مورد بحث حمایت‌های کیفری مطمح نظر است.

سؤالی که در این خصوص مطرح می‌گردد این است که آیا عدم پرداخت دستمزد حاضن دارای ضمانت اجرایی کیفری می‌باشد یا خیر؟ با بررسی قوانین ایران عدم پرداخت دستمزد حاضن به صورت خاص و شفاف مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته و از این‌رو موجب بروز اختلاف نظر میان حقوقدانان شده است تبیین ماهیت حضانت که آیا یک مقوله مستقل و دارای وجه استقلالی است و یا اینکه بخشی از مفهوم دیگر حقوقی است سهم عمده‌ای در پاسخ به سؤال دارد.

عده‌ای از حقوقدانان حضانت را حق و تکلیف والدین محسوب نموده و معتقدند واگذاری آن به غیر از پدر و مادر امکان قانونی ندارد زیرا یک حکم قانونی است که اراده اشخاص توانایی تغییر در آن را ندارد (اسدی، ۱۳۹۰: ۲۰۷ و ۲۲۳) از این‌رو حضانت را تکلیف خود والدین دانسته و فقط آنان را در صورت عدم انجام تکلیف مربوط مشمول ضمانت اجرای کیفری ماده (۱۴) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ می‌داند.^۱ و البته اگر حضانت توسط دادگاه در صورت اقتضاء به غیر از والدین محول شود عدم انجام وظایف از شمول ماده مذکور خارج است.

با اندکی تأمل در مطالب پیش گفته و از جمله دقت در ماده (۵۴) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ ناروا بودن استدلال فوق آشکار می‌گردد چه اینکه ماده (۵۴) مذکور مرتکب جرم را هر کسی، اعم از والدین معرفی نموده است همسو با تحلیل اخیر ماده (۱۷۱) قانون کیفری آلمان تحت عنوان عدم انجام تکالیف مربوط به حضانت مقرر می‌دارد هر کسی که در خصوص تکالیف مربوط به حضانت افراد زیر ۱۶ سال مرتکب تقصیر گردد و موجب ضرر جسمی و روانی به وی شود به گونه‌ای که او را به سمت رفتارهای مجرمانه و اعمال خلاف عفت هدایت کند تا حداکثر ۳ سال زندانی یا پرداخت غرامت نقدی محکوم خواهد شد.

به نظر می‌رسد با عنایت به ماهیت خاص حضانت حاضن می‌تواند با رعایت شرایطی هر یک از پدر و مادر یا شخص دیگری باشد و در صورتی که طفل توسط حاضن غیروالد مورد مراقبت قرار داده شود، دستمزد وی بر عهده والد غیرحاضن است و در صورت عدم پرداخت آن رفتار وی مشمول ماده (۵۴) قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌گردد.

۱. ماده (۱۴) مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه تشخیص دهد کسی که حضانت طفل به او محول شده از انجام تکالیف مربوط به حضانت خودداری کرده، او را برای هر بار تخلف به پرداخت مبلغی از هزار تا پنج هزار ریال و در صورت تکرار به حداکثر مبلغ مذکور محکوم خواهد کرد». یادآوری می‌گردد ماده ۵۴ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ جایگزین ماده قبلی شده است و تغییر صورت گرفته در این ماده در میزان جزای نقدی است.

در خصوص تعلق دستمزد حضانت به مادر برخی از فقهاء بزرگ اعتقاد داشته که به وی تعلق می‌گیرد زیرا کارهای انجام شده، مادر به عنوان حضانت محترم بوده و دارای اجرت‌المثل است (نجفی، بی‌تا: ۲۸۷ و ۲۹۰). گروهی از فقهاء اجرت حاضن را جزء نفقه محسوب می‌نمایند و معتقدند نفقه در حقیقت اموری است که عرفاً شخص به آن نیازمند است. نیازمند بودن یک مفهوم عرفی است و قطعاً وجود حاضن از ضروریات زندگی طفل محسوب می‌گردد پس طفل نیازمند به حاضن غیروالد است می‌بایست برای وی در نظر گرفته شود (صفایی، امامی، ۱۳۸۴: ۲۷۰). بدیهی است در تعلق دستمزد به حاضن غیروالد نه در فقه اسلامی و نه در حقوق اختلافی دیده نمی‌شود.

در خصوص ضمانت اجراء کیفری عدم پرداخت دستمزد حاضن به ماده (۶۴۲) قانون مجازات اسلامی می‌توان استناد نمود و اگر تابع نظریه مستقل بودن اجرت حضانت سوی نفقه باشیم، آن مشمول ضمانت اجراء کیفری نفقه قرار نمی‌گیرد ولی بدون تردید عدم پرداخت دستمزد مشمول ضمانت اجراء مدنی خواهد بود و پدر که از پرداخت دستمزد حاضن غیر والد استتکاف می‌نماید قاضی دادگاه طبق مواد قانونی مربوط وی را اجبار به پرداخت نموده و در صورت امتناع محبوس خواهد شد.^۱

با توجه به معنی و مفهوم حضانت که شامل نگهداری و تربیت طفل می‌شود بدیهی است در مواردی یکی از مراکز آموزشی و تربیتی عهده‌دار این مهم می‌شود که لازمه آن نگهداری اطفال در این مراکز هستند از این‌رو مستلزم پرداخت هزینه مربیان است و در صورت عدم پرداخت این هزینه در واقع طفل مورد پذیرش در این مؤسسات و مدارس قرار نگرفته و به ویژه اگر والدین دارای تمکن مالی باشند به نوعی جرم ممانعت از تحصیل واقع می‌شود که طبق ماده یک قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ جرم‌انگاری شده است و حسب مورد مرتکب به جزای نقدی و یا حبس محکوم می‌گردد.^۲

با توجه به فلسفه ماده فوق‌الذکر اگر والدین چه به صورت عمد و حتی به صورت قصور و بی‌مبالاتی با آنکه دارای تمکن مالی می‌باشند از پرداخت اجرت مربوط به تربیت و تحصیل طفل امتناع نمایند مورد تعقیب کیفری قرار گرفته و مجازات خواهند شد زیرا کلمه امتناع در این ماده شامل عمد و بی‌مبالاتی می‌گردد (اسدی، ۱۳۹۰: ۲۲۵).

صرف‌نظر از این موارد که تردید در شمول قانون کیفری بر موضوع بحث است، قانونگذار به طور صریح به جرم‌انگاری عدم پرداخت اجرت حاضن در نظام حقوقی ایران نپرداخته شاید علت آن نظرات مختلف فقهی بوده که برخی فقها حتی در خصوص عدم پرداخت نفقه قائل به کیفر نبوده و فقط به

۱. ماده (۳) قانون نحوه محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۷.

۲. ماده (۴) قانون تأمین وسایل و امکانات

ضمانت اجراء مدنی کفایت نموده‌اند البته معتقدند اگر الزام مستتکف امکان‌پذیر نبود وی را حبس نموده تا تسلیم امر قانون شود (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۵۷۷).

همسو با دیدگاه اخیر خانواده کانون مهر و محبت و اساس زندگی اجتماعی است و اگر خانواده تهی از عشق و علاقه گردد استمرار خانواده به ورطه سقوط کشانده خواهد شد و خداوند تعالی در آیه شریفه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «و جعل بینکم مودة و رحمة». از این رو همه انسان‌ها و خانواده‌ها توصیه به مودت و رحمت شده‌اند تا کانون گرم و محل آرامش اعضاء خانواده قرار بگیرد. با توجه به اهمیت خانواده و نقش پدر در آن منطق حکم می‌نماید کاستی‌ها و خلاءها در آن به ویژه از سوی پدر نباید با ضمانت اجراهای کیفری پاسخ داده شود زیرا ممکن است پاسخ معکوس به دنبال داشته و اساس خانواده را متزلزل نماید. از سوی دیگر جهت متبیه ساختن حاضن والد خاطی می‌تواند از سایر تدابیر مناسب با روح خانواده جهت هنجارمند ساختن وی یاری گرفت به طور مثال کسر از حقوق ماهیانه اشخاصی که کارمند بخش دولتی یا خصوصی هستند که از محل آن اجرت حضانت پرداخت شود اقدام مناسبی خواهد بود.

۳. حقوق ایالات متحده آمریکا

۱-۳. مسئولیت حقوقی

در حقوق ایالات متحده آمریکا تا اوایل قرن نوزدهم اصولاً حضانت به پدر داده می‌شد، لکن در تحولات بعدی بر اساس معیار بهترین مصلحت کودک به تعیین حاضن می‌پرداختند که در ابتدا اجرای ضابطه مزبور بر اساس یک فرضی صورت می‌گرفت که سپردن طفل به مادر به مصلحت شناخته می‌شد اما این رویه با انتقاداتی روبرو شده تا به نحوی که امروزه فروض جنسیت‌مدار کنار نهاده شده و در جایی که طرفین در مورد تعیین حاضن توافق ننموده باشند، چه در این صورت به سادگی از دادگاه می‌خواهند که ترتیب موردنظرشان را تأیید نماید، با اجرای ضابطه بهترین مصلحت طفل عمل می‌نمایند (statsky, 2002: 300-301). پس در نتیجه از منظر این نظام در روابط حقوقی میان والدین و کودک، مرکز ثقل رابطه، کودک می‌باشد لذا حمایت‌های حقوقی نیز بر این محور تنظیم گردیده است بنابراین با اصطلاح مسئولیت والدین مواجه می‌باشیم^۱. در راستای این مسئولیتی که والدین در برابر کودک دارند، مراقبت حمایتی مشترک یا به انفراد به والدین داده خواهد شد. (ملانکه‌پور اشتري، افقه، ۱۳۹۷: ۱۵۰) همچنین در حقوق ایالات متحده باید میان دو نوع حضانت قائل به تفصیل شد. حضانت فیزیکی متضمن حق تصمیم‌گیری در مورد محل اقامت کودک می‌باشد، که والد صاحب حق را والد حضانت (یا والد مقيم) و طرف دیگر را والد غیرحضانت می‌نامند.

در حضانت قانونی فرد حاضن اختیار تصمیم‌گیری در مورد مسائل اصلی مرتبط با پرورش کودک نظیر آموزش، مذهب، بهداشت، انضباط و رفاه عمومی را دارا است. ممکن است حضانت میان هر دو والد مشترک بوده و یا جنبه انحصاری نیز داشته باشد. در حضانت قانونی مشترک تصمیم‌گیری با همفکری هر دو والد صورت گرفته و در حضانت فیزیکی مشترک کودک در دوره‌های متناوب، اما نه لزوماً برابر در اقامتگاه هر کدام از والدین سپری می‌کند (statsky, 2002: 300-301).

سابقاً محاکم آمریکایی حتی با وجود توافق والدین حاضر به تأیید حضانت مشترک به استناد سکوت قانونی نبودند، اما امروزه این نگاه اصلاح شده و حتی در برخی از ایالت‌ها اولویت به چنین حضانتی داده شده است (katz, 2003: 111).

هر چند در اغلب موارد حضانت فیزیکی مشترک تجویز نمی‌شود زیرا جز در مواردی که محل اقامت والدین نزدیک هم بوده و وضعیت مالی هر دو مناسب باشد، چراکه تغییر مداوم محل اقامت کودک می‌تواند بر فرزند تأثیر سوء داشته باشد.

گاهی ممکن است والدین بیولوژیک به جهاتی مانند مرگ، غیبت یا عدم صلاحیت حضانت به فرد ثالثی که از نظر عاطفی به کودک نزدیک بوده مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ یا سایر خویشاوندان و یا همسایه یا یک دوست داده شود که از آنها تحت عنوان والد سایکولوژیک تعبیر می‌شود. اغلب ایالت‌های آمریکا در دعاوی اختلاف در تعیین حاضن میان والد بیولوژیک و سایکولوژیک اولویت را به دسته نخست می‌دهند مگر مضر بودن چنین تفویض حضانتی احراز شود (statsky, 2002: 300-301).

در هر حال یکی از مسائل مهم در حقوق ایالات متحده به موضوع مخارج و هزینه‌های مالی لازم برای دوره حضانت، اعم از آن که حضانت با والدین طبیعی یا عاطفی باشد، عائد است. اهمیت این مسأله در نظام حقوقی آمریکا به حدی است که به رغم این که مقررات ناظر بر حقوق خانواده در این کشور عمدتاً صبغه ایالتی دارند اما از دهه ۱۹۷۰، از هنگامی که کنگره شروع به وضع قوانینی نمود که به اعطای بودجه به ایالت‌هایی می‌پرداخت که با استانداردهای فدرال ناظر بر حمایت مالی از کودکان سازگار بودند، نظام حمایت مالی از فرزندان رفته رفته به موضوعی فدرال تبدیل شد و زمینه‌ساز تغییراتی در رویکرد ایالتی در این عرصه شد. یکی از مهم‌ترین این تغییرات الزام حقوقی کارفرمایان به ممانعت از پرداخت‌های حمایت مالی فرزندان موضوع فیش حقوقی والدین متخلفی بود که معمولاً حضانت فیزیکی کودکان را بر عهده نداشتند (statsky, 2002: 346).

در موارد جدایی زوجین، ایشان در توافقنامه جدایی شرایط ناظر بر حمایت مالی از کودک را مورد مذاکره و توافق قرار می‌دهند که حسب آن این هزینه‌ها باید به والد حاضن پرداخت شود که البته این مبلغ نباید جز در حالت عدم تمکن والد غیرحاضن، از حداقل‌های قانونی کمتر باشد. بسیاری از مقررات ایالتی اجازه توافقی را نمی‌دهند که متضمن تأدیه هزینه‌های مزبور به صورت دفعی باشد بلکه می‌بایست

این تعهد به صورت مستمر در نظر گرفته شود (statsky, 2002: 347-348) چنانچه در این زمینه اختلافی میان والدین پیش آید از طریق ساز و کار قضایی اقدام می‌شود و دادگاه نسبت به این مسأله تصمیم می‌گیرد. بنا بر برخی تحقیقات حدود شش میلیون و سیصد هزار نفر حاضن حکم قضایی اخذ حمایت مالی از والدین غیرحاضن را در محاکم آمریکایی دریافت نموده‌اند که در این میان کمتر از نیمی از والدین حاضن توانسته‌اند هزینه‌های کامل را دریافت نمایند (tomason et al., 2017: 180).

در سنت آمریکایی تنها پدر تکلیف حمایت مالی از فرزند را داشته است اما امروزه هر کدام از والدین بدون توجه به این که حضانت کودک را بر عهده دارند یا خیر، در این زمینه تکلیف دارند؛ این مسأله در اصول ارائه شده از سوی هیأت مشاوره‌ای که به موجب مقررات حمایت از کودک ۱۹۸۴ تشکیل شده بود نیز انعکاس یافته است. (mcneely, 2004: 163) با وجود این در عمل به پدر دستور پرداخت این هزینه‌ها داده می‌شود چرا که دارای منبع درآمدی است، لکن اگر مادر نیز حقوق بگیر و یا دارای تمکن مالی باشد، برای وی نیز سهم متناسبی در این زمینه لحاظ می‌شود. ناپدری و نامادری نیز چنانچه به طور رسمی یا منصفانه‌ای کودک را با به فرزندخواندگی پذیرفته باشند، حتی پس از جدایی تکلیف به حمایت مالی از کودک را خواهند داشت، با وجود این اغلب ایالت‌ها بدون فرزندخواندگی هیچ تکلیفی برای تأمین مالی فرزندان برای والد ناتی قائل نیستند مگر خلاف آن را توافق کرده باشند (statsky, 2002: 355) تکلیف به حمایت مالی از فرزند تا زمان بلوغ ادامه می‌یابد که البته در مورد فرزندان آسیب‌پذیر این مسئولیت نامحدود است (statsky, 2002: 358).

در قانون نمونه ازدواج و طلاق که در سال ۱۹۷۰ برای بهره‌گیری قانونگذاران ایالتی تدوین شد و بعداً با اصلاحاتی نیز همراه شده است، طی ماده (۳۰۸) راجع به نفقه مقرر شده است صدور حکم به نفقه برای یکی از همسران پس از انحلال ازدواج منوط به آن است که وی قادر به تأمین مخارج خود از طریق اشتغال مناسب نبوده یا حضانت فرزندی را بر عهده داشته باشد که در آن شرایط مصلحت بر آن باشد که برای فعالیت شغلی از خانه خارج نشود. بند (b) ماده نیز تأکید می‌نماید که در تعیین مقدار و مدت انفاق موضوع قرار باید عواملی در نظر گرفته شود از جمله میزانی که برای وی در مقام حاضن کودکی که با او زندگی می‌کند می‌بایست در نظر گرفته شود (katz, 2003: 195). در ماده (۳۰۹) مقرر موصوف نیز در مورد حکم به تأمین مالی فرزند در موارد جدایی زوجین منابع مالی و نیازهای والد غیرحاضن باید در نظر گرفته شود (katz, 2003: 196).

در حال حاضر در راستای احکام حمایت از فرزند ضوابط مزبور رعایت شده و بر اساس برخی فرمول‌ها این سهم از درآمد والدین غیر حاضن در نظر گرفته می‌شود (folse, 1999: 40) لازم به بیان است برخی از حقوقدانان آمریکایی معتقدند حمایت مالی از فرزند پس از جدایی والدین، نه به عنوان حق فرزند بلکه متعلق به والد غیرحاضن است که در راستای نیازهای او مصرف می‌کند (kent, 2009: 140).

با توجه به آنچه گفته شد در حقوق ایالات متحده اجرت خاصی برای حضانت فرزند که تکلیف هر دوی والدین است لحاظ نمی‌شود ولی در عمل این مسأله در حمایت‌های مالی از فرزندان پس از جدایی زوجین، در پرداختی به والد حاضن از سوی طرف مقابل لحاظ می‌شود به گونه‌ای که حتی در این راستا ممکن است حکم به تصرف منزل والدین از سوی والد حاضن به عنوان مصداقی از تأمین مالی فرزند هم داده شود (Connell, 2008: 75) افزون بر آن علاوه بر لحاظ حضانت و نیازهای حاضن در حکم تأمین مالی فرزند از سوی والد غیرحاضن، حسب دستورالعمل‌ها در پرداختی‌های دستمزد و لحاظ مشوق‌ها در آن نیز به عواملی مانند داشتن حضانت فرزند و میزان ایامی که والد فرزند را نزد خود نگه می‌دارد توجه می‌شود (Crowley, 2003: 189).

مسأله‌ی مهمی دیگری که باید در نظام حقوقی ایالات متحده در نظر گرفته شود این است که علاوه بر لحاظ وضعیت حضانت در پرداختی‌های والد غیرحاضن تحت عنوان تأمین مالی فرزند، در نفقه‌ی پرداختی به همسر نیز حضانت فرزندان در نظر گرفته می‌شود. حضور فرزند در خانه می‌تواند توانایی اشتغال خارج از منزل والد حاضن را محدود نماید و همین عاملی در تعیین میزان نفقه است (kent, 2009: 97).

۲-۳. مسئولیت کیفری ناشی از عدم پرداخت اجرت حضانت در ایالات متحده

در حقوق ایالات متحده در صورت تخطی والد غیر حاضن از حکم تأمین مالی فرزند ضمانت اجراهای متعددی پیش‌بینی شده که حتی برخی صیغه غیر کیفری دارند. کسر هزینه‌های فرزندان از حقوق پرداختی به کارمندان، مشروط نمودن صدور یا تمدید پروانه کار در برخی مشاغل مانند حسابداری، پزشکی و وکالت به عدم تخطی از مسئولیت‌های ناظر بر حمایت مالی از فرزندان، عدم پذیرش گذرنامه‌های مدیونین در رابطه با تأمین مالی فرزندان، ندادن اجازه ازدواج به والد ممتنع از حمایت مالی فرزندش که نزد دیگری است، ابطال یا تعلیق گواهینامه رانندگی یا ثبت وسایل نقلیه در عداد چنین ضمانت‌های اجرایی است. در یکی از ایالت‌ها نامه‌ای با عنوان قصد ابطال به والد متخلف داده می‌شود که اگر بدهی‌های خود را نسبت به تأمین مالی کودک نپردازد، ضمن برداشتن پلاک یک برچسب نارنجی روشن بر شیشه کنار راننده نصب می‌نماید که بیانگر توقیف و اقداماتی است که از سوی آژانس (IV-D) برای استرداد پلاک انجام می‌شود. علاوه بر آنها کلاتر از طریق صدور برگه اجرایی می‌تواند به توقیف و فروش اموال متعهد در ایالت الزام نماید. (statsky, 2002: 370-378)

اما افزون بر موارد سابق الذکر، عدم پرداخت هزینه‌ها از سوی والد غیرحاضن دارای ضمانت اجرای کیفری نیز است. این رویکرد هم در سطح ایالتی و هم فدرال قابل مشاهده است.

۱-۲-۳. مسئولیت کیفری در سطح ایالتی

در ایالت‌های آمریکا کوتاهی عمده‌ی از حمایت مالی از فرزند به عنوان رفتاری که می‌تواند حبس را به دنبال داشته باشد شناخته می‌شود.

در اکثر ایالات‌ها این عمل یک جرم ایالتی را شکل می‌دهد که البته باید پیش از محاکمه و محکوم نمودن متهم استطاعت مالی او در تأمین مالی فرزند احراز شود. مجازات متهم مواردی مانند تعلیق مراقبتی، جزای نقدی و حتی حبس را در بر می‌گیرد. البته به جز مجرمان ثروتمند، حکم کیفری حبس به ندرت برای تضمین حمایت‌های مالی از فرزندان مؤثر می‌باشد چرا که اغلب آنها حقوق بگیر بوده که با حبس منابع مزبور نیز از بین خواهند رفت از این رو حقوقدانان این کشور توصیه کرده‌اند تا با مشروط به تأدیه هزینه‌های فرزند، به ویژه موارد معوقه، حکم حبس را تعلیق نمایند. در عمل این تعلیق مراقبتی خود موجب مشارکت متخلفین شده است (statsky, 2002: 370-371) جرم موصوف ماهیتاً به اعتبار عنوان «اهانت به دادگاه» مطمح نظر قرار می‌گیرد که ناشی از سرپیچی عامدانه‌ی شخص از حکم قضایی صادر شده مبنی بر تأمین چنین هزینه‌هایی است. چنین عنوان مجرمانه‌ای که مبتنی بر اقتدار نامحدود مرجع قضایی بود میراثی از کامن لای انگلیسی می‌باشد که به نظام حقوقی ایالت‌های آمریکا نیز وارد شده بود که البته به جهت تعارض با ارزش‌های اساسی آمریکا محدود شده است. با وجود این در بسیاری از موارد نیز حبس چنین اشخاصی نه از جهت چنین هنجارشکنی کیفری، که به اعتبار اعمال اختیار مدنی محاکم در راستای الزام محکومین به تمکین از احکام صادر شده می‌باشد. در چنین مواردی زندانی کردن متخلفین بدون رعایت حقوق موضوع دادرسی‌های کیفری صورت می‌پذیرد. تضمیناتی مانند فرض برانث، توجه بار اثبات به مقام تعقیب، شرط احراز ورای شک معقول، رسیدگی با حضور هیأت منصفه، مصونیت در برابر خوداتهامی، حق برخورداری از وکیل و منع محاکمه مضاعف در این موارد رعایت نمی‌شود (Patterson, 2008: 95-97).

در مقررات ایالتی نیز اعمال چنین واکنش‌هایی نسبت به والدین غیرحاضن که از ایفای تعهدات مالی خود سر باز می‌زنند، تحت عنوان اهانت به دادگاه شناسایی شده است. به طور نمونه ماده (۱۲۱۸) بخش دادرسی مدنی از کد ایالت کالیفرنیا اصلاحی سال ۲۰۲۰ ضمانت اجرای تا ۱۲۰ ساعت انجام خدمات عمومی یا حبس را به ازای هر اهانت در نخستین محکومیت، در مرتبه محکومیت دوم به مجموع تا ۱۲۰ ساعت خدمات عمومی و تا ۱۲۰ ساعت حبس به ازای هر اهانت و در بار سوم و به بعد به مجموع تا ۲۴۰ ساعت خدمات عمومی یا تا ۲۴۰ ساعت حبس به ازای هر اهانت حکم داده خواهد شد. در ایالت میشیگان نیز قانون قضایی مصوب ۱۹۶۱ با اصلاحات ۲۰۰۷ طی ماده (۱۷۱۵) جزای نقدی تا حداکثر ۷۵۰۰ دلار یا حبس تا نود و سه روز برای چنین رفتاری مقرر داشته است که البته هر گاه شخص تعهدش را انجام یا توانایی ایفای آن را از دست دهد مجازات باید خاتمه یابد. در هر حال حبس والد غیرحاضن چه در اثر جرم اهانت به دادگاه و چه ناشی از اختیار الزام‌کنندگی آن مستلزم استطاعت شخص و توانایی او در اجرای حکم صادر شده و نیز تعمد او در تخطی از آن است به گونه‌ای که هم از حکم صادره و هم توانایی خود نسبت به اجرای آن آگاه باشد (Patterson, 2008: 104-105).

۲-۳. مسئولیت کیفری در سطح فدرال

خودداری از تأمین مالی فرزند در ایالات متحده به مرور یک جرم فدرال مستقل را تشکیل داده است. به دنبال فشارهای نمایندگان زن پس از دوره ریاست جمهوری ریگان دولت فدرال به سمت جرم‌انگاری استتکاف از حمایت مالی فرزندان پیش رفت. به عنوان مثال قانون بازپایی حمایت از کودک مصوب ۱۹۹۲ جرم فدرال برای پدرانی وضع نمود که عمداً از پرداخت هزینه‌های فرزندان که در ایالت دیگر زندگی می‌کنند خودداری می‌نمایند (Crowley, 2003: 158) متعاقباً در سال ۱۹۹۸ قانون فدرال مجازات والدین مرده با وجود شرایطی شخص متعهدي که بیش از یک سال به تعهدات خود در حمایت مالی از فرزندان عمل ننموده را به شش ماه تا دو سال حبس محکوم نمود. مفاد این قانون در ماده (۲۲۸) قانون جرایم و دادرسی کیفری ایالات متحده انعکاس یافته است.

مطابق ماده اخیر اشخاصی که:

- (۱) عامدانه از ایفای تعهدات مالی نسبت به فرزندی که در ایالت دیگری اقامت دارد خودداری ورزند، چنانچه استتکاف بیش از یک سال به طول انجامیده و یا به مبلغی بیش از پنج هزار دلار رسیده باشد؛
- (۲) یا به منظور فرار از ایفای چنین تعهدی سفر تجاری بین ایالتی یا خارجی نمایند به نحوی که مدت ترک فعل یا مجموع مبالغ به میزان بند قبل باشد؛
- (۳) عامدانه از ایفای تعهدات مالی نسبت به فرزندی که در ایالت دیگری اقامت دارد خودداری ورزند، چنانچه امتناع بیش از دو سال و یا به میزان مبلغی بیش از ده هزار دلار رسیده باشد به این شرح مجازات می‌شوند:

ارتکاب جرم موضوع بند (۱) در مرتبه اول مستوجب جزای نقدی موضوع قانون مزبور، حبس تا حداکثر شش ماه یا هر دو کیفر است، و ارتکاب جرایم موضوع بندهای (۲) و (۳) و نیز تکرار جرم موضوع بند (۱) موجب جزای نقدی، حبس تا حداکثر دو سال یا هر دو مجازات خواهد بود.

دادستان‌های فدرال در ارتباط با این جرم برخی موارد را در اولویت قرار می‌دهند: جایی که نحوه مسافرت و جابجایی متهم بین ایالت‌ها تداعی‌کننده قصد وی جهت فرار از ایفای مسئولیت مالی نسبت به فرزند باشد؛ یا آن که از نام یا شماره تأمین اجتماعی جعلی به این منظور استفاده کرده باشد؛ و یا جایی که عدم تأدیه در چارچوب سرپیچی از حکم دادگاه رخ داده باشد و نیز مواردی که جرم موصوف در ارتباط با جرایم فدرال دیگری مانند ورشکستگی از روی تقلب واقع شده باشد. با وجود این فدرالیزه کردن جرایم مرتبط با مقررات خانواده از سوی برخی صاحب نظران مورد نقد قرار گرفته است (statsky, 2002: 372).

در هر حال اعمال قوانین کیفری فدرال در عمل به آمار قابل توجهی از محکومیت به حبس در میان والدین غیرحاضن در ایالات متحده شده است (may, 2002: 14).

نتیجه گیری

۱. مشهور فقهای امامیه پرداخت اجرت حضانت را در درجه اول بر عهده پدر و در صورت اعسار یا فوت پدر، پرداخت اجرت حضانت بر عهده جد پدری و هرچه بالاتر رود (جد جد...) می دانند.

۲. در مورد اخذ اجرت پیش از طلاق اگر شرط ضمن عقد توسط زن در مورد اخذ اجرت حضانت شده باشد، اختلافی وجود ندارد چون شرطی مشروع است که ضمن عقد مطرح شده و لازم الوفا است. صمیمی بودن آنان و فعالیت خوب و بی منت زنان و مطالبه نکردن اجرت، دلالتی بر سقوط حق او ندارد و اگر مرد ادعا کند زن از حقوق خود گذشته است باید دلیل بیاورد. در مورد شرط بعد از عقد توسط زن در مورد اخذ اجرت حضانت با تعیین مبلغ اجرت هم، از آنجایی که این صورت، در واقع توافق جدیدی است که میان زن و شوهر برقرار شده و شرط و توافق مذکور، مخالفتی با شرع ندارد، لذا جایز بوده و بر مرد واجب است که اجرت تعیین شده را بپردازد. در صورت شرط بعد از عقد توسط زن در مورد اخذ اجرت حضانت بدون تعیین مبلغ اجرت در این صورت، زن پس از عقد اعلام کرده که مزد کارها را می خواهم و شوهر رضایت داده اما مبلغ آن، مشخص نشده است. در اینجا به اجرت المثل مراجعه می شود.

۳. در مورد اخذ اجرت پیش از طلاق و در صورت توافق زن و شوهر در مورد اسقاط حقوق خود به نظر می رسد این حالت، توافق جدیدی است که بین زن و شوهر انجام شده و طبق این توافق هر دو، حقوق خود را اسقاط کرده اند. این شرط چون مخالفتی با قرآن و سنت ندارد و شرط جایزی است، مورد قبول شرع می باشد، در این صورت، زن اجرتی طلبکار نیست.

۴. از آنجایی که مشهور فقها معتقدند که حضانت نسبت به مادر صرفاً یک حق است لذا به احکامی مانند عدم وجوب حضانت برای مادر، جواز اسقاط آن از طرف مادر، امکان انتقال و واگذاری آن به دیگری و عدم امکان الزام مادر بر حضانت، ملتزم شده اند و در ادامه به جواز مطالبه اجرت توسط مادر در برابر حضانت نیز فتوا داده اند. بنابراین با توجه به اینکه حضانت نسبت به مادر، حق و نسبت به پدر تکلیف است، می توان پذیرفت که مطالبه اجرت توسط مادر در برابر حضانت پس از طلاق، جائز خواهد بود.

۵. با توجه به ضرورت اصلاح ماده (۱۱۶۸) و (۱۱۷۲) قانون مدنی به نظر می رسد در مورد اخذ اجرت حضانت پس از طلاق قول دوم یعنی جواز اخذ اجرت در مقابل عمل حضانت قوی تر و مناسب تر است.

۶. در حقوق کیفری ایران در خصوص استتکاف از پرداخت اجرت حضانت توسط والد غیر حاضن دو دیدگاه وجود دارد. نظر اول اجرت را بخشی از نفقه دانسته که در این صورت عدم پرداخت آن دارای ضمانت اجرای کیفری مشخص در قانون است و رأی دوم قائل به این است که اجرت حضانت یک مفهوم

مستقل بوده و جزء نفقه نمی‌باشد از این رو عدم پرداخت آن به شکل صریح مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته که البته دارای ضمانت مدنی می‌باشد و این نظر به صواب نزدیک است.

۷. در حقوق ایالات متحده آمریکا تا اوایل قرن نوزدهم اصولاً حضانت به پدر واگذار می‌شد، لکن در تحولات بعدی بر اساس معیار بهترین مصلحت کودک به تعیین حاضن می‌پرداختند همچنین در حقوق ایالات متحده باید میان دو نوع حضانت قائل به تفصیل شد. حضانت فیزیکی متضمن حق تصمیم‌گیری در مورد محل اقامت کودک می‌باشد، که والد صاحب حق را والد حضانت (یا والد مقیم) و طرف دیگر را والد غیرحضانت می‌نامند. در حضانت قانونی فرد حاضن اختیار تصمیم‌گیری در مورد مسائل اصلی مرتبط با پرورش کودک نظیر آموزش، مذهب، بهداشت، انضباط و رفاه عمومی را دارا است. اما ممکن است حضانت میان هر دو والد مشترک بوده و یا جنبه انحصاری داشته باشد. در حضانت قانونی مشترک تصمیم‌گیری با همفکری هر دو والد صورت گرفته و در حضانت فیزیکی مشترک کودک در دوره‌های متناوب، اما نه لزوماً برابر در اقامتگاه هر کدام از والدین سپری می‌کند و در این نظام حقوقی عدم پرداخت اجرت حضانت حسب مورد دارای ضمانت اجرای کیفری و مدنی است.



فهرست منابع

- اسدی، لیلاسادات، ۱۳۹۰ش، حقوق کیفری خانواده، تهران، انتشارات میزان.
- امامی، سیدحسن، ۱۳۷۳ش، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ج ۴، ۵.
- حائری شاهباغ، سیدعلی، ۱۳۸۸ش، شرح قانون مدنی، تهران، وزارت دادگستری، ج ۱، ۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۹۹ق، وسائل الشیعة، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ج ۵، ۱۵.
- خمینی، روح الله، ۱۳۹۲ش، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
- خوانساری، سیداحمد، ۱۳۶۲ش، جامع المدارک، قم، اسماعیلیان، ج ۲، ۴.
- خونی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، منهاج الصالحین، قم، نشر مهر، ج ۲.
- زحیلی، وهبة، ۱۴۱۸ق، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، ج ۴، ۷.
- شورای عالی قضایی، ۱۳۶۳ش، پاسخ و پرسش از کمیسیون استفتانات قضایی، تهران، روزنامه رسمی، ج ۱، ۲.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۴۱۹ق، جامع الاحکام، قم، انتشارات حضرت معصومه، ج ۲.
- صانعی، یوسف، ۱۳۷۶ش، مجمع المسائل، قم، انتشارات میثم تمار، ج ۱.
- صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله، ۱۳۷۴ش، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱.
- طباطبایی، سیدعلی، ۱۴۰۴ق، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۲.
- طبرسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۷ق، نهاية الاحکام، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲، ۲.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، بی تا، القواعد و الفوائد، قم، مکتبة المفید، ج ۱.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، بی تا، مسالک الافهام، بی جا، چاپ سنگی، ج ۱.
- عبادی، شیرین، ۱۳۷۱ش، حقوق کودک، تهران، انتشارات روشننگران، ج ۱.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵ش، حقوق مدنی خانواده، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۴، ۲.
- مغنیه، محمدجواد، بی تا، فقه الامام الصادق، بیروت، دار التعارف، ج ۵.
- ملائکه پور شوشتری، محمد حسن، فقه، آلا سادات، ۱۳۹۷ش، «تأثیر جنون و ازدواج مادر بر حضانت کودک در حقوق ایران: با مطالعه تطبیقی در حقوق آمریکا»، فصل نامه پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب، ش ۳.
- موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی، ۱۴۱۷ق، مهذب الاحکام، قم، مؤسسه المنار، ج ۴، ۲۵.
- نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷، ۳۱.
- Connell, Linda H. (2008), Child Custody, Visitation, and Support in Illinois, Second printing, Naperville, Sphinx Publishing.
- Crowley, Jocelyn E. (2003), The Politics of Child Support in America, First printing, New York: Cambridge University Press.
- Folse, Kimberly A. (1999), "The Child Support Obligation, Non-Custodial Parental Income and Compliance", Journal of Social Service Research, Vol. 26, No. 1.
- Howe, Kirsten, (1986), "Criminal Nonsupport and a Proposal for an Effective Felony-Misdemeanor Distinction", The Hastings Law Journal, Vol. 37, Iss. 6.
- Katz, Sanford N. (2003), Family Law in America, First printing, Oxford: Oxford University Press.
- Kent, George W. (2009), Family Law for Paralegals, New York, The McGraw-Hill Companies.

- May, Rebecca, (2002), The Effect of Child Support and Criminal Justice Systems on Low-Income Noncustodial Parents, Madison, Center on Fathers, Families, and Public Policy.
- McNeely, Robert A. and McNeely, Cynthia A. "Hopelessly Defective: an Examination of the Assumptions Underlying Current Child Support Guidelines", In: Comanor, William S. (2004), The Law and Economics of Child Support Payments, Massachusetts, Edward Elgar Publishing Limited.
- Patterson, Elizabeth G. (2008), "Civil Contempt and the Indigent Child Support Obligor: The Silent Return of Debtor's Prison", Cornell Journal of Law and Public Policy, 18(1).
- Statsky, William P. (2002), Family Law, Fifth Edition, United States, Thomson Learning.
- Thomason, Elizabeth et al., (2017), "The Effect of Social Anxiety, Generalized Anxiety, Depression and Substance Abuse on Child Support Payment Compliance among Non-Custodial Parents", Children and Youth Services Review, Vol. 79.
- California Code of Civil Procedure, available at:
[https://leginfo.ca.gov/faces/codesTOCSelected.xhtml?tocCode=CCP&tocTitle="+Code+of+Civil+Procedure++CCP](https://leginfo.ca.gov/faces/codesTOCSelected.xhtml?tocCode=CCP&tocTitle=) (last visited on 12/6/ 2021).
- Judicature Act (Michigan), available at:
[http://www.legislature.mi.gov/\(S\(oiuhqenvk4qg3lpg0eumgqrt\)\)/mileg.aspx?page=getObject&objectName=mcl-Act-236-of-1961](http://www.legislature.mi.gov/(S(oiuhqenvk4qg3lpg0eumgqrt))/mileg.aspx?page=getObject&objectName=mcl-Act-236-of-1961) (last visited on 18/6/ 2021).
- Title 18 of the United States Code, available at:
<https://uscode.house.gov/view.xhtml;jsessionid=9825BE19130AB052D1304C100DA712F4?req=granuleid%3AUSC-prelim-title18&saved=%7CZ3JhbnVsZWlkOlVTQy1wcmVsaW0tdGl0bGUxOC1zZWNoaW9uMjI4%7C%7C0%7Cfalse%7Cprelim&edition=prelim> (last visited on 14/7/ 2021).
- Title 42 of the United States Code: The Public Health and Welfare, available at:
<https://uscode.house.gov/view.xhtml;jsessionid=BB6AD16BC434FCFF1B7C28E48BE9B324?req=granuleid%3AUSC-prelim-title42&saved=L3ByZWxpbUB0aXRsZTQyL2NoYXB0ZXI3L3N1YmNoYXB0ZXI0L3BhcnRE%7CZ3JhbnVsZWlkOlVTQy1wcmVsaW0tdGl0bGU0Mi1jaGFwdGVyNy1zdWJjaGFwdGVyNC1wYXJ0RA%3D%3D%7C%7C0%7Cfalse%7Cprelim&edition=prelim> (last visited on 29/7/ 2021).

Persian Sources

- Asadi, Leilasadat, Family Criminal Law, Karver Publishing House, (2011).
- Khomeini, Seyyed Rouholah, Tahrir al-Wasila, Volume 2, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RIP), (2013).
- Emami, Seyyed Hasan, Civil Law, Volume 5, Islamic Bookstore, Tehran, 4th edition, (1994).
- Haeri Shahbagh, Seyyed Ali, Commentary on Civil Law, Volume 8, Ministry of Justice, Tehran, 1st edition, (2009).
- Hor Ameli, Muhammad bin Hassan, Wasal al-Shi'a, Vol. 15, Dar al-Katb al-Islamiya, Tehran, 5th edition, (2020).
- Khansari, Seyed Ahmad, Jame Al-Madarak, Volume 4, Ismailian, Qom, 2nd edition, (1985).
- Khoi, Sayyed Abol-Qasim, Minhaj al-Salehin, Volume 2, Mehr Publishing House, Qom, (1410) AH.

- Zohaili, Wahba, Al-Fiqh al-Islami and Adelate, Volume 7, Dar al-Fikr, Damascus, 4th edition, (1418) AH.
- Supreme Judicial Council, Answers and Questions from the Judicial Inquiry Commission, Volume 2, Official Newspaper, Tehran, First edition, (1994).
- Safi Golpaygani, Lotfollah, Jame al-Ahkam, Volume 2, Hazrat-e Masoumeh Publication, Qom, (1419) AH.
- Saneyi, Youssef, Majam al-Masal, Maysam Tamar Publication, Qom, First edition, (1997).
- Safai, Seyyed Hossein and Emami, Asadullah, Family Law, University of Tehran, Tehran, First edition, (1374).
- Tabatabayi, Seyyed Ali, Riyad al-Masael, Volume 2, Aal-Al-Bait Foundation, Qom, (1404) AH.
- Tabarsi, Muhammad bin Hassan, Nahayat al-Ahkam, Volume 2, Al-Nashr al-Islami Publishing House, Qom, 2nd edition, (1417) A.H.
- Amoli (Shaheed Awal), Muhammad bin Makki, al-Qawaid wa Al-Fawaid, Volume 1, Maktaba Al-Mufid, Qom, Rule 29, (????).
- Amoli (Shaheed Thani), Zain al-Din Bin Ali, Masalak al-Afham, Volume 1.
- Ebadi, Shirin, Children's Rights, Volume 1, Roshangan Publication, Tehran, (1992).
- Katouzian, Nasser, Family Civil Rights, Volume 2, Enteshar Publishing Co, Tehran, 4th edition, (1375) AH.
- Moghniyeh, Mohammad Javad, Fiqh al-Imam al-Sadiq, Volume 5, Dar al-Taruf, Beirut, (????).
- Mousavi Sabzevari, Seyyed Abd al-Ali, Mahdez al-Ahkam, Volume 25, Al-Manar Institute, Qom, 4th edition, (1417) AH.
- Najafi, Mohammad Hassan, Javaher Al-Kalam, Volume 31, Dar Ihya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut, 7th edition, (????).